روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۳ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۳۴۹

جهش تولید با مشارکت مردم

همشهری

حافظ
اگر روم ز پی‌اش فتنه‌ها برانگیزد
ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
به یاد آرید که لذّت‌ها تمام‌شدنی است و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۵ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۰۷
■ اذان مغرب: ۱۸:۲۵ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۳
■ اذان صبح فردا: ۴:۵۹ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۲۲

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

ادعُونی أَستَجِبْ لَکُم

دعای روز هشتم ماه مبارک رمضان

بسم‌الله الرحمن الرحیم
اَللّهُمَّ ارْزُقْنی فیهِ رَحْمَةَ الاَیْتامِ وَ اِطْعامَ الطَّعامِ وَ اِفْشاءَ السَّلامِ وَ صُحْبَةَ الْکِرامِ بِطَوْلِکَ یا مَلْجَأَ الاَمِلینَ

به‌نام خداوند بخشاینده مهربان
ای خدا در این روز مرا ترّحم به یتیمان و اطعام به گرسنگان و افشا و انتشار سلام در میان مسلمانان و مصاحبت نیکان نصیب فرما به حقّ انعامت ای پناه آرزومندان عالم.

یادداشت

خاورمیانه کوچک تهران

علیرضا زمانی

محله‌های پرشمار تهران، اگرچه با توسعه ناموزون و معماری جدید گسسته از فلسفه ایرانی، می‌روند تا به ظاهر شبیه یکدیگر شوند، اما در باطن ویژگی‌های متفاوتی با هم دارند که هر یک را از دیگری متفاوت کرده است. محله‌هایی که هر یک هویتی از این شهر بزرگ به‌حساب می‌آیند؛ هویت‌های خردی که به لحاظ ذاتی تعدادشان به ۲۰۰ مورد می‌رسد و تحت نام تهران، هویتی متنوع و متکثر زیر پوست این شهر کلان جاری و ساری است؛ هویتی که با هویت‌های خرد نژادی، قومی و ملیتی بی‌شمار شهر پیوند خورده و تهران را به شهری خاص بدل نموده است؛ هویت متنوع و متکثری که نمود و جلوه‌گاهش همین ایام محرم و عزاداری‌های شهر است.

دولت‌آباد، محله کم نام و نشان تهران یکی از همان ۲۰۰ هویت ذاتی شهر است؛ محله‌ای که در گذشته روستایی بود از روستاهای بلوک غار و ساکنانش درون قلعه‌ای زندگی می‌کردند. ساکنانی که در زمان زندیه، عده‌ای از ایل هفت لنگ بختیاری با تبعید به آن اضافه شدند. روستایی که زمانی با باغ زیبا و پرمحصولش، در مالکیت عباس میرزای نایب السلطنه بود. روستا قلعه‌ای که از دهه ۵۰، زمین‌هایش به شرکت عمران دولت‌آباد واگذار و واحدهای مسکونی بی‌شماری برای کارمندان دولت احداث شده است. واحدهای مسکونی که در کنار قلعه رو به زوال، هویت متفاوتی را برای ساکنان قدیم دولت‌آباد به ارمغان آورده است.

پیش از این در همین کوچه پس کوچه‌های دولت‌آباد بود که تعزیه فاخر این روزهای تهران پایه‌گذاری شد. خاله حسنیه، بانوی ساکن محله به سبب ارادتش به سیدالشهدای عالم، همراه اصغر نانوا، محمد قصاب و دیگر مردمان محله، چراغ تعزیه را در دولت‌آباد برافروخت. بانویی که معین‌البکایی تعزیه را عهده‌دار بود؛ معین‌البکایی که همان نقش کارگردان سینما و تئاتر را در تعزیه عهده‌دار است. بانویی که باید او را نخستین معین‌البکای زن و شاید نخستین کارگردان این سرزمین لقب داد. بانویی که شاگردش خسروشمر، فاخرترین تعزیه این روزگار شهر را در حسینیه ۲ شهید دولت‌آباد اجرا می‌کند. همان خسروشمر که افتخار معین‌البکایی این شهر به او رسیده و تعزیه‌اش را ادامه راه تعزیه تکیه دولت تاریخی تهران باید به‌حساب آورد.

دولت‌آباد محل سکونت بسیاری از ایرانی‌های عربی است که در روزگار قاجار و پهلوی اول، پدران و اجدادشان راهی و ساکن عراق شده بودند. ایرانی‌هایی که با روی کار آمدن حزب بعث، از عراق اخراج و تعداد قابل توجهشان ساکن بلوار قدس شدند. بلواری که حسینیه کاظمینی‌ها، نجفی‌ها، کربلایی‌ها و کردهای فِیلی در آن واقع شده و عزاداری‌ها، نذورات، گفت‌وگوها، زبان‌ها و نوشته‌های این خیابان، حال و هوایی کاملا عربی به این نقطه از خاک تهران بخشیده است.

همچنین دولت‌آباد محل سکونت پاکستانی‌های شیعه از طایفه جعفری است که به‌کار عینک فروشی مشغولند. پاکستانی‌هایی که ایام محرم تکیه‌ای در دولت‌آباد برپا می‌کنند و به سبک و سیاق معروف پاکستانی به سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌پردازند، با شیر مخصوص از عزاداران پذیرایی می‌کنند. افغان‌های پرتعداد دولت‌آبادی هم چند تکیه‌ای برای خود در این محله به پا کرده‌اند و به شیوه سنتی، بکر و تأثیرگذار خود از برای حسین فاطمه(ع) به اقامه عزا می‌پردازند. سوری‌ها هم چندصباحی است که مهمان دولت‌آبادی‌های تهرانند؛ هر چند که فعالیتی در این ایام ندارند.

دولت‌آباد، همچون خاورمیانه‌ای کوچک با همه تنوع و تکثر قومیتی، ملیتی و هویتی‌اش نشانگر گوشه‌ای از هویت هزارتوی تهران است؛ هویتی که کمتر دیده شده و کمتر جایی در برنامه‌های توسعه‌ای این شهر داشته است.

عکس‌ها: همشهری/ محمد عباس نژاد و امیر رستمی

مسجد خاص تهران

مسجد حاج رجبعلی به خاطر معماری و ساختار متفاوتی که دارد، دانشگاه معماری پایتخت خوانده می شود

فاطمه عباسی

۶۹سال قبل، درست در یازدهمین روز از بهمن‌ماه سال ۱۳۳۴ مسجد «حاج رجبعلی» در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفت. این مسجد که سند معماری فاخر ایرانی اسلامی را در جای جای آجرها و کاشی‌هایش حمل می‌کند، در سال دوم سلطنت فتحعلی شاه قاجار، به‌دست استاد محمدقلی شیرازی از معماران آن زمان و به خواست حاج رجبعلی، کدخدای سنگلج و بازار در گذر قدیمی درخونگاه و در محله سنگلج ساخته شد. مرحوم حاج رجبعلی تهرانی از تجار بازار تهران حدود ۲۰ هزار تومان برای ساخت حوزه علمیه و مسجد هزینه کرد و ساخت آن ۱۷ سال طول کشید و دور تا دورش حجره برای اقامت طلاب ساخته شد که الان چند حجره بیشتر باقی نمانده است. چاه قرآن، قبله صاف، گنبد دوپوش و کاشی هفت رنگ ویژگی‌های مسجد حاج رجبعلی سنگلج تهران است که این مسجد ۱۸۰ ساله را منحصر به فرد کرده است. البته روی کتیبه‌های موجود در کاشی‌ها، سال ۱۲۶۱ و ۱۲۶۲ هجری قمری را برای ساخت مسجد نوشته‌اند. اما به‌طور دقیق نمی توان تاریخ ساخت مسجد را با تاریخ کاشی‌کاری آن یکی دانست، چون ممکن است کاشی‌کاری‌ها چند سال بعد از ساخت مسجد کار شده باشند. حاج رجبعلی کدخدای گذر درخونگاه نیز بود و ارادت زیادی به ملامحمد جعفر شریعتمداری داشت. سال‌ها قبل از انقلاب خاندان شریعتمداری پیش نماز این مسجد بوده‌اند. آقای شریعتمداری دو پسر به نام‌های شیخ علی و شیخ حسن داشت. حاج ملاجعفر شریعتمداری دختر حاج رجبعلی را برای پسر بزرگ‌تر خود آقای شیخ‌علی خواستگاری کرده و در اثر این قرابت، این مسجد به همراه موقوفاتش وقف نوادگان دختری حاج رجبعلی شد تا نسل در نسل در این مسجد نماز بگزارند.

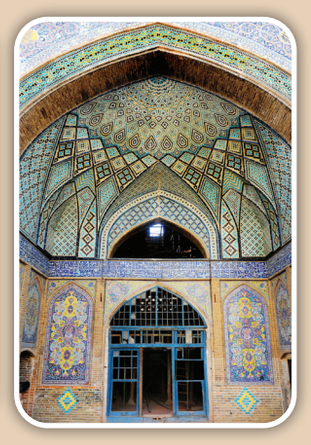

مکث

شاهکار معماری

جالب است بدانید که به اعتقاد استادان معماری، این مسجد شاهکاری از هنر معماری ایرانی-اسلامی است و می‌تواند کلاس درس دانشجویان معماری باشد، چرا که قبله این مسجد صاف است، درحالی‌که قبله تهران کج بوده و هست؛ بنابراین زمانی که نقشه این مسجد را نگاه می‌کنید، می‌بینید که مسجد را کج ساخته‌اند، یعنی کل مسجد گردانده شده تا قبله صافی داشته باشد. این نوع معماری درواقع از هوش سرشار معمار آن بهره گرفته است.

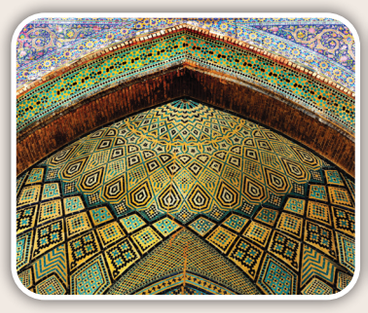

اولین گنبد بیضی شکل

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های این مسجد، وجود نخستین سقف بیضی شکل در ایران و نخستین گنبد بیضی شکل در تهران در این بنای تاریخی است. همچنین چاه قرآن در این مسجد تاریخی از دیگر شاخصه‌هایی است که آن را از مساجد قدیمی تهران متمایز می‌کند. این چاه برای گذاشتن قرآن‌های قدیمی پاره‌شده، حفر می‌شد.

مسجدی با ۲ شبستان

برای مسجد ۲ در ورودی ساخته شده که ورودی غربی به شبستان زمستانه و ورودی جدید به شبستان جدید منتهی می‌شود. در تهران قدیم به واسطه نبود سیستم تهویه هوا برای برخی مسجدها ۲ شبستان می‌ساختند؛ یکی شبستان زمستانه که با دیوارهای قطور و رو به آفتاب ساخته می‌شد تا نمازگزاران از سرمای زمستان در امان باشند و یکی شبستان تابستانه که در سایه ساخته می‌شد و معمولا بعد از ایوان و بدون در ورودی شکل می‌گرفت. مسجد حاج رجبعلی از معدود مساجد تهران است که ۲ شبستان دارد.

کاشی کاری بی‌نظیر

این بنای تاریخی به‌دلیل داشتن کاشی‌های معقلی (ترکیب کاشی و آجر) کاشی هفت‌رنگ و کاشی معرق، یکی از بناهای خاص دوره قاجار است. از مدرسه‌ای که در ضلع شرقی مسجد قرار داشت تنها یک ایوان با کاشی‌کاری و معقلی باقی مانده و کلاس‌های درس این مدرسه به خانه مسکونی تبدیل شده است.

مکث

مدرسه و تکیه‌ای که دیگر نیست

این مسجد تاریخی در اصل در میان مجموعه‌ای مشتمل بر مسجد، تکیه و مدرسه قرار داشته و دارای صحن نسبتا وسیع، شبستان تابستانی و زمستانی و ایوان زیبایی بوده که اکنون تنها بخشی از شبستان زمستانی و ایوان آن باقی مانده و بخش‌های دیگر به بناهای تجاری و مسکونی تبدیل شده‌اند. مدرسه علمیه‌ای که در کنار این مسجد قرار داشت، شامل ۲ کلاس درس و ۱۰ حجره بود، اما امروزه مدرسه از بین رفته و اثری از آن باقی نمانده است. تکیه حاج رجبعلی هم در سال‌های دور محوطه بزرگی داشته و مردم مراسم عزاداری محرم و تعزیه را در این محوطه برپا می‌کردند. در سال ۱۳۵۷ به جای تکیه قدیمی حاج رجبعلی که جزو ملحقات مسجد بود، حسینیه هیئت مکتب‌الرضا ساخته شده است.

تهرانگرام

بزرگ‌ترین خانه تاریخی

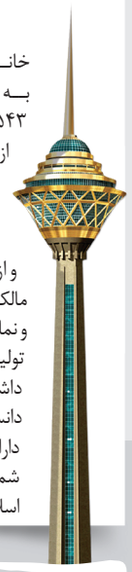

خانه تاریخی «کاخ ثابت پاسال» معروف به «قصرسنگی» با وسعت ۱۱هزار و ۵۴۳مترمربع(بیش از یک هکتار) در یکی از گران‌ترین نقاط شهر، یعنی خیابان جردن(آفریقا) قرار دارد و بزرگ‌ترین خانه تاریخی تهران است. حبیب‌الله ثابت، مشهور به «ثابت پاسال» از نزدیکان دربار و از سرمایه‌داران مشهور دوره پهلوی‌دوم و مالک یا سهامدار بیش از ۴۰ شرکت بزرگ بود و نمایندگی تعدادی از شرکت‌های خارجی تولید خودرو و لوازم خانگی در ایران را در اختیار داشت. برخی او را بزرگ‌ترین سرمایه‌دار ایران دانسته‌اند و کسی که مالک ۱۰ درصد همه دارایی‌ها در ایران بود. ثابت پاسال در سال ۱۳۵۵ شمسی از ایران مهاجرت کرد و پس از انقلاب اسلامی نیز اموالش مصادره شد.

تهران نامه

سوراخ مشتو در خانه‌های تهران قدیم

تا قبل از رواج بلندمرتبه‌سازی و استفاده از داربست فلزی، ساختمان‌های دو یا سه اشکوبه را با «چوب‌بست» روی هم استوار می‌کردند و برای استحکام و نریختن چوب‌بست، علاوه بر کوبیدن میخ‌های قطور در بین تیرها و الوارها، تیرهای چوبی افقی را در داخل دیوار در حال چینش فرومی‌بردند و محکم می‌کردند تا استاد بنا از بالای آن سرنگون نشود. بعد از اتمام کار و جمع‌آوری چوب‌بست، سوراخی باقی می‌ماند که آن را «سوراخ مُشتو» می‌گفتند و جایگاه پرندگانی بود که مهمان خانه می‌شدند.

برای پرندگان باقی‌مانده سفره غذا را در باغچه خانه می‌تکاندند و به اعضای کوچک‌تر خانه تأکید می‌کردند هنگام دانه برچیدن مزاحم پرندگان نشوند و اجازه دهند با آسودگی و فراغ بال سیر شوند و سپس به داخل لانه خود یا همان سوراخ مشتو بازگردند. نمونه‌ای از این سوراخ‌های مشتو را در صحن حیاط مدرسه عالی شهید مطهری(سپهسالار) می‌توان مشاهده کرد.

دیروزنامه

انعکاس نیکوکاری تو

۳۰ سال پیش در همشهری

برپایی جشن‌های نیکوکاری، حتی در ۳۰ سال پیش نیز مورد توجه رسانه‌ها بوده و روزنامه همشهری هم با چاپ عکسی در صفحه اول خود و انتشار گزارشی از شرکت تهرانی‌ها در این جشن انسانی باشکوه، تلاش کرده این حرکت انسانی را گسترش دهد.

در این گزارش به ۵هزار پایگاه جمع‌آوری هدایا و مشارکت سخاوتمندانه شهروندان اشاره شده که امیدواریم این سنت حسنه، این روزها هم میان ما ایرانیان بخشنده جریان داشته باشد، زیرا می‌دانیم این جهان، کوهستانی باشکوه است که صدای ما را چندین برابر بیشتر به خود ما منعکس خواهد کرد.